

زیارت قبور

۱. زیارت به معنی دیدن و سر زدن به قبرستان برای تذکر مرگ و مراحل پس از مرگ جایز و مشروع می باشد. مشروط بر این که در کنار قبر و گورستان، سخنان و حرکت هائی که موجب ناخشنودی پروردگار عالم باشد، انجام نگیرد. مانند: صدا زدن اهل قبور و کمک خواستن از مردگان و تزکیه کردن آنان و بهشتی دانستن ایشان در این خصوص احادیثی بشرح زیر از رسول الله صلی الله علیه و سلم نقل شده است:

* از بُریده بن حُصیب رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«أَنْتِي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ وَتَزِدُّكُمْ زِيَارَتِهَا خَيْرًا فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَزُورَ فَلْيَزُرْ وَلَا تَقُولُوا هُجْرًا». مسلم، ابوداود

ترجمه: قبلاً شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، ولی اکنون از آنها دیدن کنید. زیرا زیارت قبور شما را به یاد آخرت می اندازد. و این زیارت به گونه ای باشد که بر خیر و خوبی های شما بیافزاید. هر کس مایل به زیارت قبور است، آنها را زیارت کند ولی سخن بیهوده نگوید. امام نووی رحمه الله علیه در «المجموع» می نویسد:

هجر یعنی سخن بیهوده و باطل. زیارت قبور در ابتداء به این دلیل منع شده بود که هنوز مردم از دوران جاهلیت زیاد فاصله نگرفته بودند، بسیاری از اوقات، هنگام زیارت قبور، سخنان باطل و بیهوده می گفتند. اما وقتی سنن و شیوه های اسلام تثبیت و مستقر شد و راه و رسم آن جا فتاد جایز شمرده شد. به همین علت، رسول الله صلی الله علیه و سلم وقتی زیارت قبور را جایز شمرد، از باب احتیاط فرمود: «و لا تقولوا هجراً» آنجا سخن بیهوده نگوئید.

توجه: بی تردید بر همگان روشن است، آنچه که امروز عامه مردم موقع زیارت قبور انجام می دهند. مانند: صدا کردن میت، استعانت از وی، یا خواستن از خدا بحق میت، اینها همه از جمله بزرگترین سخنان بیهوده و باطل می باشند و وظیفه علماء است که حکم خدا را در این خصوص بیان کرده و مردم را به سوی سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم راهنمایی کنند و هدف زیارت را برای مردم روشن نمایند. سنعانی در «سبل السلام» (۱۶۲/۲) بعد از نقل احادیث زیارت قبور و بیان حکمت آن می گوید: همه این احادیث دال بر جواز زیارت قبور و حکمت آن می باشند. و این که فلسفه زیارت قبور، عبرت آموختن و تذکیر است. هرگاه هدف از زیارت قبور تذکر مرگ و پند آموزی نباشد، مشروعیت آن از بین می رود.

* از ابو سعید خدری روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«إِنِّي نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةً (و لا تقولوا ما يسخط الرب)». (احمد (38/3)، 63، 66) حاکم (374-375/1).

ترجمه: من شما را از زیارت قبور منع می کردم ولی اکنون آنها را زیارت کنید، چون زیارت قبور مایه عبرت و پندآموزی است. ولی از سخنی که موجب خشم خدا می شود پرهیزید.

* انس بن مالک رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ ثُمَّ بَدَأَ لِي أَنَّهَا تَرُقُّ الْقَلْبَ وَتُدْمَعُ الْعَيْنَ وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ فَزُورُوهَا وَلَا تَقُولُوا هُجْرًا».

(حاکم (376/1) با سند حسن و احمد و بیهقی.)

ترجمه: من قبلاً شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، ولی اکنون قبور را زیارت کنید. همانا زیارت قبور، دلها را نرم و چشم ها را اشک آلود می نماید و انسان را به یاد آخرت می اندازد، ولی در آنجا سخن بیهوده نگوئید.

* حدیث «فزوروا القبور» عام است. زنان و مردان را شامل می شود. توضیح مطلب چنین است که در ابتداء اسلام وقتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم از زیارت قبور منع کرد، بی تردید این منع شامل زنان و مردان بود. وقتی می فرماید: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور» از این کلام چنین بر می آید که این حکم عام است. یعنی شامل زنان و مردان می شود. چنان که موارد دیگری مانند «نهيتكم عن لحوم الاضاحی فوق ثلاث الخ و نهيتكم عن النبيذ الا فی سقاء فاشربو فی الاسقيه كلها و غيره» نیز باتفاق شامل هر دو گروه می باشد. زیرا خطاب در همه این اعمال متوجه زنان و مردان است. اگر بگوئیم که خطاب «فزورواها» مختص مردان است، این برداشتی است که نظام کلام را مختل نموده و طراوت و شیوایی آن را از بین می برد و چنین چیزی شایان کسی نیست که صاحب «جوامع الكلم» بوده و از میان تمام ناطقین عرب افصح تر بوده است.^۱

* زنان نیز مانند مردان به علتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای جواز زیارت قبور بیان فرمود، (یعنی اینکه دلها را نرم و چشم ها را اشک آلود می کند و انسان را به یاد آخرت می اندازد) احتیاج دارند.

* در مواردی دیگر ثابت شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم زنان را برای زیارت قبور اجازه داده است. ام المومنین عایشه رضی الله عنه دو حدیث در این خصوص از رسول الله صلی الله علیه و سلم نقل می کند:

(الف) عبدالله بن ابی مُلیکه می گوید:

«ان عایشه رضی الله عنها اقبلت ذات یوم من المقابر، فقلت لها یا أم المومنین من این أقبلت؟ قالت: من قبر

عبدالرحمن بی ابی بکر رضی الله عنه فقلت لها: ألیس كان رسول الله صلی الله علیه و سلم نهی عن زیارة القبور؟ قالت: نعم، ثم امر بزیارتها و فی روایة عنها: إن رسول الله صلی الله علیه و سلم رخص فی زیارة القبور».^۲

ترجمه: ام المومنین، عایشه، از طرف قبرستان می آمد. گفتم: ای مادر مومنان از کجا می آئی؟ گفت: از زیارت قبر عبدالرحمن فرزند ابوبکر رضی الله عنه (برادرم) عرض کردم: مگر رسول الله صلی الله علیه و سلم از زیارت قبور منع نکرده است؟ فرمود: آری، ولی بعداً امر نمود از قبرستان دیدن شود. و در یک روایت از وی آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای زیارت قبور رخصت داده است.

(ب) از محمد بن قیس روایت است که روزی گفت: برای شما از مادرم عایشه بگویم؟ آنگاه گفت عایشه می گوید: شبی که رسول الله صلی الله علیه و سلم در خانه من بود، چادر خود را کنار گذاشت. کفش ها را بیرون آورد و نزدیک پاهایش گذاشت. کناره چادرش را روی رختخواب پهن کرد و دراز کشید. و به محض اینکه گمان کرد من (عایشه) خواب رفته ام، آرام چادرش را برداشت و به آهستگی کفش ها را پوشید، درب خانه را آرام باز کرد و خارج شد. سپس درب خانه را بست. من بلافاصله لباسها را پوشیده، پشت سر ایشان به راه افتادم تا اینکه رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد گورستان بقیع شد. دست ها را بلند کرد و برای اهل بقیع بسیار دعا کرد. سپس بسوی خانه برگشت. من نیز برگشتم، هرگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم آهسته راه می رفت، من نیز آهسته راه می رفتم و هر وقت تند راه می رفت من گام هایم را تند تر بر می داشتم و اگر می دوید من نیز می دویدم. بالاخره از وی سبقت گرفتم و پیش از وی به خانه وارد شدم و دراز کشیدم. رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد خانه شد و فرمود: ای عایشه چرا به نفس نفس افتاده ای؟ عرض کردم: خبر خاصی نیست. فرمود: جریان را برایم بگو یا اینکه خداوند آن را به من خواهد گفت. آنگاه عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد. و جریان را برایش گفتم. فرمود: چیزی شبیه

1- جوامع الكلم و افصح الناطقین از صفات پیامبر p می باشد.

2- حاکم (376/1) بیهقی از طریق حاکم، ابن ماجه (475/1)، ابن عبدالبر در «التمهید».

سایه که در پیشاپیش من حرکت می کرد، تو بودی؟ عرض کردم: آری. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم انگشت ها را بسته ، دست بر سینه من زد بطوریکه اثر ضرب را احساس کردم. سپس فرمود: تو گمان کردی که خدا و رسولش در حق تو ستم می کنند؟ عایشه می گوید: عرض کردم: هر چه را که مردم پنهان کنند، خداوند آن را می داند؟ فرمود: همانا جبرئیل نزد من آمد و هنگامیکه دیدی من بلند شدم. مرا صدا زد، ولی تو را خبر نکردم. من دعوت جبرئیل را پذیرفتم و چون تو در لباس خواب بودی، جبرئیل نمی خواست وارد خانه شود. من نیز گمان کردم که تو خوابی، دوست نداشتم تو را بیدار کنم و نمی خواستم که تو وحشت زده شوی. جبرئیل به من گفت: پروردگارت به تو امر کرده تا به گورستان بقیع رفته برای اهل بقیع دعای مغفرت کنی. در حدیثی عایشه می گوید: از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدم: چگونه برای اهل بقیع دعای مغفرت کنم؟ فرمود: چنین بگو:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلْأَحْقُونَ».

ترجمه: سلام بر شما مومنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید. خداوند بر گذشتگان و آیندگان ما رحم بفرماید و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست.

حافظ بر اساس همین حدیث به جواز رفتن زنان به قبرستان معتقد است و این جریان در مدینه اتفاق افتاد. زیرا عایشه در مدینه به همسری رسول الله صلی الله علیه و سلم در آمد. و ظاهراً نهی از سر زدن به قبرستان در مکه بوده است. بخاطر اینکه مربوط به عقیده و توحید است و اینهم بخاطر سد ذریعه ممنوع گردید تا منجر به شرک نشود. ولی بعد از اینکه آنها کاملاً از شرک فاصله گرفتند و توحید در دلهاشان جای گرفت و آنها در مدینه بسر می بردند، این ممنوعیت مکی بر طرف گردید. والله اعلم.

* همچنین در حدیث انس رضی الله عنه که تماماً در بیان مسأله شماره ۱۹ بیان گردید، رسول الله صلی الله علیه و سلم زنی را در کنار قبری دید که گریه می کند. فرمود: «اتقی الله و اصبری» از خدا بترس و صبر داشته باش.

محل استشهاد این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن زن را از نشستن در کنار قبر منع نکرد و تقریر رسول الله صلی الله علیه و سلم دلیل و حجت است. عینی در «العمده» (۷۶/۳) می گوید: این حدیث دال بر جواز زیارت قبور بصورت اطلاق است. و فرق نمی کند که زیارت کننده زن باشد یا مرد و زیارت شونده، کافر باشد یا مسلمان. زیرا در حدیث تفاوتی ذکر نشده است.

حافظ می گوید: «لعدم الإستفصال فی ذالک» زیارت قبر مسلمان و کافر، هر دو جایز است، زیرا فرقی در این باره بیان نشده است.

امام نووی می گوید: نزد جمهور علماء زیارت قبر کافر جایز است، البته صاحب «الحاوی»^۳ گفته است: «زیارت قبر کافر، جایز نیست.» اما این قول درست نیست.

نزدیکترین معنی حدیث مذکور، این است که زیارت قبور برای زنان جایز است. این استدلال وقتی کامل می شود که این جریان قبل از نهی نباشد. ظاهراً این داستان بعد از نهی بوده است، زیرا نهی از زیارت قبر در مکه بوده و این قصه از انس روایت شده است. زمانی که رسول الله صلی الله علیه و سلم به مدینه هجرت کرد، مادر انس (ام سلیم) او را که ده سال داشت به خدمت

رسول الله صلی الله علیه و سلم آورد. از این رو، این جریان مدنی و بعد از نهی است. بنابراین بدون تردید می تواند دلیلی برای جواز زیارت قبور برای زنان باشد.

ابن قیم می گوید: تقوا یعنی پیروی از اوامر و منهیات خدا که از جمله اینها نهی از زیارت قبور برای زنان است و آنها باید این را رعایت بکنند. بنده می گویم: اگر نسخ این نهی ثابت نمی شد، سخن ابن قیم بجا بود و رسول الله صلی الله علیه و سلم بجای توجیه آن زن به تقوا و صبر، صراحتاً به او می گفت که به قبرستان نیاید.

۳. البته زنان نباید رفت و آمد زیادی به قبرستان داشته باشند. زیرا تردد و رفت و آمد زیاد زنان به قبرستان، موجبات خلاف شریعت، مانند: نوحه: اظهار زینت و آرایش، و تفریحگاه قرار دادن قبرستان و تزیین وقت را فراهم می سازد. همانطور که این کارهای خلاف شرع در بسیاری از کشورهای اسلامی مشاهده می شود. و ان شاء الله، منظور این حدیث مشهور نیز همین است که می گوید:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ»

(رسول الله صلی الله علیه و سلم (و خداوند) زنانی را که به کثرت به زیارت قبور می روند، نفرین کرده است). چنانکه صیغه مبالغه (زوارات) بدان اشاره دارد.^۴

۴. زیارت قبر کسانی که به غیر دین اسلام وفات یافته اند، بمنظور عبرت، جایز است. در این خصوص دو حدیث وارد شده است:
* ابوهیره رضی الله عنه می گوید:

«زَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَأَبْكَى مَن حَوْلَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَأْذَنْتُ رَبِّي تَعَالَى عَلَى أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُؤْذَنْ لِي فَاسْتَأْذَنْتُ أَنْ أُرْوَرَ قَبْرَهَا فَأُذِنَ لِي فَرُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكَّرُ بِالْمَوْتِ».^۵
ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم قبر مادرش را زیارت کرد. به گریه افتاد و حاضران نیز گریستند. سپس فرمود: از پروردگارم اجازه خواستم تا برای مادرم دعای مغفرت کنم، به من اجازه نداد. آنگاه اجازه زیارت قبر مادرم را خواستم، به من اجازه داد. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد.

* بریده رضی الله عنه می گوید: (در سفری، در روایتی) در غزه احد) همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم. حدود یک هزار سوار بودیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم دو رکعت نماز اقامه کرد. سپس در حالیکه چشمهایش اشک آلود بود، رو به ما کرد. عمر بن خطاب رضی الله عنه بلند شد و از وی سوال کرد: پدر و مادرم فدایت ای رسول الله صلی الله علیه و سلم، چه شده است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: از پروردگارم اجازه خواستم تا برای مادرم دعای مغفرت کنم، به من اجازه نداد. دلم برایش سوخت و اشکهایم سرازیر گردید. آنگاه به من اجازه داد تا به قبر او سر بزنم. و افزود که من قبلاً شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، ولی شما اکنون اجازه دارید، قبور را زیارت کنید. زیارت قبور باید به گونه ای باشد که بر نیکی های شما بیافزاید. (احمد 355/5، 357، 359) ترمذی و مسلم، بیهقی، حاکم، ابن ابی شیبه و ابن حبان.)

1- اما حدیثی که سنعانی در سبل سلام آورده که فاطمه هر جمعه به قبر حمزه سر می زد و گریه می کرد و حدیثی که می گوید: هر کس روز جمعه به زیارت قبور پدر و مادرش برود، مورد آمرزش قرار می گیرد، قابل حجت نیستند. زیرا اولی منقطع و دومی موضوع است.
2- مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، طحاوی و حاکم.

امام نووی می گوید: «این حدیث بیانگر آن است که می توان به مشرکین زنده سرزد چرا که وقتی می توان پس از مرگ نزد قبرهای آنان رفت، پس سر زدن زنده ها بطریق اولی جایز خواهد بود. همچنین در این حدیث از طلب آمرزش برای کفار نهی آمده است. و علت سرزدن رسول الله صلی الله علیه و سلم به قبر مادرش چیزی جز پند گرفتن و یادآوری مرگ و آخرت نبوده است».

باید دانست که هدف از زیارت قبرها دو چیز است:

- 1- مستفیذ شدن زائر بوسیله یاد مرگ و مردگان و اندیشیدن درباره این که سرنوشت مردگان یا به بهشت است و یا به دوزخ. این نخستین هدف از زیارت قبور است. همانطور که روایات گذشته بر آن دلالت داشتند.
- 2- بهره دادن به میت و احسان در حق او، بدین معنی که: زیارت کنندگان بر او سلام کنند و برای او دعا کرده و طلب آمرزش نمایند. البته این اعمال (دعا، سلام و طلب مغفرت) مختص اموات مسلمانان است. در این خصوص چند حدیث آمده است:
 - 1- عایشه رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم به قبرستان بقیع می رفت و برای اموات دعا می کرد. ام المومنین عایشه رضی الله عنه از او در این مورد سوال کرد. فرمود: «به من امر شده تا برای آنان دعا کنم». احمد (252/6) با سند صحیح.
 - 2- عایشه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم در نیمه پایانی شبهایی که نوبت من بود، از خانه بیرون می شد و به گورستان بقیع می رفت و می فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ دَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوَعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرْقَدِ»⁶

ترجمه: سلام بر شما ای مومنان! آنچه که به شما وعده داده می شد فرا رسید. ما نیز ان شاء الله به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! ساکنان بقیع غرقد را بیامرزد.

- 3- از عایشه رضی الله عنه در حدیثی طولانی که قبلاً بیان شد آمده بود: از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدم: چگونه برای اهل بقیع دعا کنم؟ فرمود: بگو:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَان شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلْاحِقُونَ»⁷

- 4- بریده رضی الله عنه می گوید: وقتی ما به قبرستان می رفتیم، رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را تعلیم می داد که در آنجا چه بگوئیم و چگونه سلام بدهیم؟ بنابراین اگر کسی از ما به قبرستان می رفت، چنین می گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ لَنَا وَلَكُمْ».

مسلم و نسائی، بیهقی، ابن ماجه، ابن ابی شیبه، ابن سنی و احمد.

ترجمه: سلام بر شما مومنان و مسلمانان ساکن این دیار، ما ان شاء الله به شما خواهیم پیوست. شما پیش کسوتان ما هستید و ما پس از شما خواهیم بود و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامتی و عافیت داریم.

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم به قبرستان آمد و فرمود:

1- مسلم، نسائی، بیهقی، احمد و ابن سنی.
2- ترجمه اش در مباحث قبلی گذشت (ص 139).

«السلام علیکم دارقوم مومنین و انا ان شاءالله بکم للا حقون» (مسلم، مالک، نسائی، ابن ماجه ، بیهقی و احمد).

ترجمه: سلام بر شما مومنان این دیار ، ما نیز به خواست خدا به شما می پیوندیم.

و افزود که دوست داشتیم، برادران خود را می دیدم. گفتند: مگر ما برادران تو نیستیم؟ فرمود: خیر. شما اصحاب من هستید. برادران من کسانی هستند که بعداً خواهند آمد و من بر سر حوض، منتظر آنان می باشم. گفتند: آنها را چطور می شناسی؟ فرمود: آیا اگر کسی دارای اسبهای سفید پیشانی و سفید دست و پا در میان اسبهای سیاهی باشند، آنها را نمی شناسد؟ گفتند: بلی. گفت: چهره ها و دست و پاهای آنها در اثر وضو، سفید است و می درخشد و من آنها را خواهم شناخت. و در کنار حوض، منتظر آنان خواهم ماند.

۵. خواندن قرآن به هنگام زیارت قبر، نه تنها پایه و اساسی از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ندارد، بلکه احادیث مذکور در مسائل گذشته دال بر عدم مشروعیت آن می باشد. چون اگر خواندن قرآن موقع زیارت قبور جایز بود، رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را انجام می داد و صحابه رضی الله عنه را بدان راهنمایی می نمود. بویژه زمانی که عایشه رضی الله عنه از او در این باره سوال کرد و رسول الله صلی الله علیه و سلم دعا و سلام را به او یاد داد و فرمود که فاتحه یا سوره ای دیگر از قرآن بخوان. اگر خواندن قرآن برای زیارت قبور مشروع بود، رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را از عایشه رضی الله عنه پنهان نمی کرد. زیرا تاخیر بیان بوقت حاجت، از طرف شارع جایز نیست. اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره قرائت قرآن به صحابه چیزی می گفت، حتماً به ما می رسید و چون به سند صحیح چیزی در این خصوص نقل نشده ، حکایت از آن دارد که چنین چیزی نبوده است. آنچه که عدم مشروعیت قرائت قرآن در قبرستان را تایید می کند، حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم است که می فرماید:

«لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ مَقَابِرَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي تُقْرَأُ فِيهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ» . مسلم ، ترمذی ، نسائی ، بیهقی

و احمد .

(خانه های خود را قبرستان نکنید(در خانه ها قرآن بخوانید)، همانا شیطان از خانه ای که سوره بقره در آن تلاوت شود، فرار می کند).

در حدیث مذکور رسول الله صلی الله علیه و سلم به این نکته اشاره فرموده است که قبرستان جائی نیست که قرآن در آنجا تلاوت شود. و بر این اساس بر قرائت قرآن در خانه ها تشویق فرموده و از شبیه ساختن خانه به قبرستان با نخواندن قرآن در آن، منع فرموده است. همچنین در حدیثی دیگر اشاره شده است که قبرستان محل خواندن نماز نیست. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: «صَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ وَ لَا تَتَخَذُوا قُبُورًا». روایت مسلم (در خانه هایتان نماز بخوانید و آنها را به قبرستان مبدل نسازید). این حدیث از ابن عمر روایت شده است و در آن اشاره شده که خواندن نماز در مقابر کراهیت دارد . همانطور که از حدیث ابوهریره کراهیت قرائت قرآن در مقابر فهمیده می شود.

میان کراهیت نماز و قرائت قرآن در مقابر، تفاوتی وجود ندارد و مذهب جمهور سلف، مانند: ابوحنیفه ، مالک، و غیره همین است. نزد امام احمد نیز قرائت قرآن در مقابر جایز نیست. امام ابوداود می گوید: از امام احمد درباره قرائت قرآن در قبرستان سوال شد، در جواب گفت: خیر.(جایز نیست)

از امام شافعی نیز در مورد مشروعیت این امر چیزی ثابت نیست. زیرا او نیز این عمل را بدعت می دانست. امام مالک می گوید: فکر نکنم کسی از گذشتگان این عمل را انجام داده باشد.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که صحابه و تابعین در قبرستان قرآن نمی‌خواندند»

و در «اختیارات» می‌گوید: قرائت قرآن بر میت بدعت است، بجز قرائت سوره یس که بر بیماری که در حال وفات است، مستحب می‌باشد.

بنده (آلبانی) می‌گویم: قرائت سوره یس بدلیل ضعیف بودن روایتی که در این باره وجود دارد، نیز بدعت است. زیرا با حدیث ضعیف، حکم شرعی ثابت نمی‌شود. چنانکه این اصل را خود ابن تیمیه در کتابهایش ذکر کرده است. و آنچه در مورد ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که وصیت کرده بود تا نزد قبرش سوره بقره خوانده شود، از نظر سند اشکال دارد. همچنین روایتی که می‌گوید: انصار بر مردگان خود سوره بقره را می‌خواندند، صحیح نمی‌باشد. و اصلاً در مورد قرائت قرآن بالای سر بیماری که در حال مردن است، یا در کنار قبر، هیچ روایت و اثری قوی، وجود ندارد.

و اما حدیثی که می‌گوید: هر کس از کنار قبرستان گذر نماید و قل هو الله احد را یازده بار بخواند و ثواب آنرا به مردگان اهداء کند، به اندازه تعداد مردگان به او ثواب می‌رسد، حدیثی است ساختگی و بی‌اساس.

۶. موقع دعاء برای میت رفع یدین (بلند کردن دستها) به دلیل حدیثی که از عایشه رضی الله عنه روایت شده است، جایز می‌باشد. عایشه رضی الله عنه می‌گوید:

شبی رسول الله صلی الله علیه و سلم از منزل بیرون رفت. بریره را پشت سر او فرستادم تا بدانم رسول الله صلی الله علیه و سلم به کجا می‌رود. بریره آمد و خبر داد که رسول الله صلی الله علیه و سلم به طرف بقیع رفته، در نزدیک ترین فاصله بقیع ایستاد و با بلند کردن دستها، دعا کرد. سپس به خانه برگشت. وقتی صبح کردم از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدم: ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم شب گذشته کجا تشریف بردی؟ فرمود: به طرف بقیع فرستاده شدم تا برای اهل بقیع دعای مغفرت کنم. (احمد (92/2) امام مالک در «الموطأ» و نسائی (1/239-240)).

۷. هنگام دعای برای میت، رو به قبر نکند، بلکه رو به قبله کند. زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز خواندن رو به قبر را منع کرده است و دعا، روح و هسته اصلی نماز است و حکم نماز را دارد. چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«الدعا هو العبادة» (دعا عبادت واقعی است).

سپس این آیه را قرائت نمود: [و قال ربکم ادعونی استجب لکم] [بخاری در «الأدب المفرد»، ابو داود، ترمذی، ابن ماجه ابن حبان، حاکم، ابن منده و احمد].
وقتی دعا از اهم عبادتهاست، چگونه در دعا رو به جانبی شود که در نماز، روی به آن جهت نمی‌شود؟ بر همین اساس، نظر علمای محقق بر این است که در وقت دعا، باید رو به قبله نمود.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رضی الله عنه در «اقتضاء الصراط المستقیم، فی مخالفة اصحاب الجحیم» (ص ۱۷۵) می‌گوید: این یک اصل مستمر و پذیرفته است که، برای داعی (دعا کننده) پسندیده و مستحب نیست که در دعا به طرفی رو کند که در نماز بدان سو، رو نمی‌کند. وقتی در نماز روی آوردن به طرف مشرق و هر جهتی غیر از قبله نهی گردیده، هنگام دعا نیز روی آوردن به آن جهت ممنوع است. بعضی هنگام دعا در صدد رو کردن به سمت و سوئی هستند که انسان صالحی در آن جهت باشد، که مسلماً این نوعی گمراهی آشکار و روشن است.

چنانچه بعضی پشت کردن به طرف انسان صالح را زشت می دانند، حال آنکه آنان از پشت کردن بسوی بیت الله و مرقد رسول الله صلی الله علیه و سلم اجتناب نمی کنند. همه این حرکت ها از جمله بدعتهایی است که با دین اسلام تضاد داشته و با دین نصاری همخوانی دارد.

رای ائمه چهارگانه (امام احمد، مالک، شافعی و ابوحنیفه) این است که شخص هنگام دعا رو به قبله بایستد هر چند در کنار مرقد رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد. اما در مورد سلام کردن به رسول الله صلی الله علیه و سلم علماء اختلاف نظر دارند.

امام نووی در «المجموع» (۳۱۱/۵) می گوید: امام ابوالحسن محمد بن مرزوق زعفرانی، که از علما و محققین است، در کتاب خود «الجنائز» می گوید: «نباید قبر را با دست لمس کرد و نباید آن را بوسه زد». همچنین می گوید: در طول تاریخ، سنت این بوده که دست کشیدن بر قبور و بوسه زدن به آنها بگونه ای که امروز در بین عامه مردم رواج دارد، شرعاً از بدعتهای نکوهیده به شمار می رفته. بهتر است که از آن اجتناب شود، بنابراین هر کس می خواهد بر میتی سلام گوید، در برابر سینه و چهره اش ایستاده و سلام بگوید و هرگاه می خواهد دعا کند از جای خود منتقل شده و رو به قبله شود.

شیخ الاسلام در «القاعدة الجلیلة» (ص ۱۲۵) می گوید: مذهب ائمه اربعه، مالک، ابوحنیفه، شافعی، احمد و دیگر ائمه اسلام، این است که هنگام زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از فرستادن سلام بر پیامبر صلی الله علیه و سلم اگر شخصی مایل بود برای خود دعا کند، رو به قبله بایستد. البته در مورد این که هنگام سلام گفتن به رسول الله صلی الله علیه و سلم رو به کدام جهت باشد، اختلاف نظر وجود دارد. امام مالک، شافعی و احمد می فرمایند: رو به حجره نموده در حالی که روبروی رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد، سلام گوید. امام ابوحنیفه رضی الله عنه می گوید: هنگام سلام نیز رو به حجره نکند. همانطور که هنگام دعا نباید رو به طرف حجره باشد.

و اما در مورد اینکه در اینصورت حجره در کدام جهت قرار گیرد از او دو قول وجود دارد. یکی این که هنگام سلام گفتن پشت به سوی حجره باشد. دوم اینکه حجره در سمت چپ دعا کننده قرار گیرد. آری، این اختلاف درباره سلام گفتن است. اما در موقع دعا، همه اتفاق دارند که رو به قبله شود، نه بسوی حجره.

و سبب اختلاف این است که در زمان اصحاب، حجره مطهره بیرون مسجد بود و صحابه از بیرون مسجد به رسول الله صلی الله علیه و سلم سلام می گفتند و ممکن نبود که رو به رسول الله صلی الله علیه و سلم و پشت به قبله سلام گویند: و بعد از گسترش مسجد و دخول حجره به محدوده مسجد، این امر ممکن شده است. طبعاً در آن زمان اگر رو به قبله می ایستادند، حجره در سمت چپ آنان قرار می گرفت و اگر رو به حجره می کردند، قبله در سمت راست و جهت مغرب و پشت سر آنان قرار می گرفت.

شیخ الاسلام در «الجواب الباهر» (ص ۱۴) بعد از ذکر مطالب فوق می گوید:

« در چنین صورتی اگر سلام کنندگان رو به مرقد رسول الله صلی الله علیه و سلم نموده و پشت به مغرب کرده باشند، قول اکثریت راجح است و اگر سلام کنندگان رو به قبله نموده و حجره مطهره در سمت راست آنان قرار بگیرد، قول ابوحنیفه راجح است.

البته دیدگاه من ^۸ این است که شیخ الاسلام این مسئله را معلق گذاشته است، و بطور حتم نگفته که صحابه رو به قبله کرده اند یا رو به روضه اطهر و دلیل معلق گذاشتن مساله این است که روایتی در این خصوص از صحابه ثابت نیست. اما اگر فرض شود که آنان موقع سلام رو به روضه اطهر کرده اند. روشن می شود که آنان در این حالت پشت به مغرب کرده اند، نه پشت به قبله. چون در زمان صحابه (قبل از وارد شدن روضه در محدوده مسجد) چنین چیزی (پشت نمودن به قبله در حالیکه رو به مرقد باشند) ممکن نبود، و این مطلب بیان گردید که رأی اکثریت چنین است که هنگام سلام، رو به مرقد رسول الله صلی الله علیه و سلم و روضه اطهر، کند و این مستلزم استدبار قبله است. یعنی همان چیزی که ما یقین داریم که در زمان صحابه، نبوده است. و این امر نیاز به دلیل شرعی دارد که ما سراغ نداریم و کسی هم بیان نکرده است.

البته برخی از این حدیث ابن عباس استدلال کرده اند که می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم از کنار قبرستان مدینه می گذشت. آنگاه رو به قبرها نمود و به آنان سلام کرد. (ترمذی) بنده می گویم: در سند این روایت، قابوس بن ظبیان وجود دارد که نسائی و ابن حبان او را ضعیف و منکر الحدیث دانسته اند.

پس این حدیث بخاطر ضعفی که دارد نمی تواند فتوای امام مالک مبنی بر عدم مشروعیت روبرو ایستادن با روضه ی رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگام دعا و سلام را زیر سوال ببرد. چنانکه وقتی به ایشان گفتند که مردم ساعتها روبروی روضه رسول الله صلی الله علیه و سلم می ایستند و دعا و سلام می کنند، فرمود: این بدعتی است که صحابه و تابعین آنرا انجام نداده اند. و افزود که آخر این امت اصلاح نمی شود، مگر با همان چیزی که اول آن اصلاح گردیده است.

۸. هنگام زیارت قبر کافر بجای سلام و دعا، بشارت دوزخ به او داده شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیثی که سعد بن وقاص آن را روایت کرده است، چنین امر نمود. راوی می گوید: «مردی اعرابی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: پدرم صله رحم می کرد و فلان کار نیک انجام می داد... اکنون به نظر شما جایگاهش چگونه است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: در دوزخ است، آن مرد اعرابی از این پاسخ ناراحت شد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم پدر شما کجا است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هرگاه از کنار قبر کافری رد شدی، او را به دوزخ بشارت بده.

سعد بن وقاص می گوید: آن مرد اعرابی بعدها مسلمان شد و گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم مرا مکلف کرده است. بنابراین، از کنار هیچ قبر کافری نمی گذرم، مگر این که او را به دوزخ بشارت خواهم داد. (طبرانی در «المعجم الکبیر» (1/191) ابن سنی در «عمل الیوم و الیله» (588)، ضیاء مقدسی و بزّار با سند صحیح).

۹. نباید با کفش در میان قبرهای مسلمانان راه رفت. در حدیث بشیربن حنظله آمده است که گفت: «با رسول الله صلی الله علیه و سلم راه می رفتم... رسول الله صلی الله علیه و سلم از کنار قبرستان مسلمانان رد شد. ناگهان نگاهش به مردی افتاد که با کفش در میان قبرها راه می رفت. فرمود: ای صاحب السببیتین (ای کسی که با کفش ها راه می روی) کفش های خود را بینداز، آن مرد نگاه کرد و وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم را شناخت، کفش هایش را بیرون آورد و انداخت. (اصحاب سنن و غیره و تمام حدیث درمساله شماره (88) بیان گردید.)

۱۰. گذاشتن گل و انواع ریحان ، روی قبر روا نیست. زیرا سلف چنین نکرده اند و اگر این، عمل شایسته و نیکی بود ، سلف صالح آنرا انجام می دادند. ابن عمر رضی الله عنه فرمود:

«كل بدعة ضلالة و إن رآه الناس حسنة». ابن بطه در «الإبانه عن اصول الديانه» و هروي در «دَم الكلام» و الالكائي در «السنه».

(هر بدعتی (نوع آوری در دین) گمراهی است ، ولو اینکه مردم آنرا نیک بدانند).

[telegram.me/ahkamjanayezqeshm](https://t.me/ahkamjanayezqeshm)